

تحلیل ارزش‌شناختی بصیرت در حفاظت اطلاعات از دیدگاه قرآن و حدیث

محمدعلی مهدوی‌راد^۱
حسن صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۳

چکیده

سازمان حفاظت اطلاعات در نظام اسلامی براساس مبانی فکری اسلام شکل می‌گیرد و در قالب آموزه‌های وحیانی بر محور توحید به انجام مأموریت و فعالیت می‌پردازد. تفاوت‌های ابعاد معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی در نظام‌های فکری و مکاتب مختلف، نتایج متفاوتی در ابعاد نظری و عملی به دنبال دارد. تبیین مفاهیم مستخرج از این ابعاد براساس مبانی فکری اسلام یکی از ضرورت‌های حوزه‌ی حفاظت اطلاعات است تا هم در جنبه‌ی نظری و هم در ابعاد تربیتی، آموزشی و عملیاتی برای کارکنان این حوزه‌ی حساس مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از نیازهای مهم حفاظت اطلاعات، فراهم نمودن علم و اطلاع صحیح و کافی برای انجام موفقیت‌آمیز مأموریت‌ها و وظایف خویش و همچنین توجه مستمر به آفات و آسیب‌های احتمالی ناشی از ماهیت وظایف و پرهیز از آن است. چگونه می‌توان به این مهم دست یافت؟ برای دستیابی به پاسخ، این پژوهش براساس زیرساخت‌های فکری اسلامی و روشمندان، آن‌گونه که در علوم اسلامی مطرح است با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) و به استناد تفسیر و تحلیل عالمان و کارشناسان حوزه‌ی تفسیر قرآن و حدیث به تحلیل «بصیرت» از دیدگاه ارزش‌شناسی اسلامی در مأموریت‌ها و فعالیت‌های حفاظتی مانند جمع‌آوری، واپایش امنیتی، پیگیری پرونده و ... پرداخته است و اهمیت و نقش فکر و اندیشه، یاد خدا، پرهیز از غفلت، استغفار و توبه، دوری از گناه و دل‌کندن از آن را در فراهم کردن بخشی از لوازم مورد نیاز مأموریت‌های حفاظتی از یک سو و پرهیز از آفات و آسیب‌های احتمالی آن از سوی دیگر نمایانده است. بدین‌سان تحقق بصیرت براساس مفهوم و تفسیری که از منابع اصیل اسلامی قابل استنباط است برای کارکنان این حوزه ضروری دانسته شده است.

کلید واژه‌ها: مبانی فکری، مبانی ارزش‌شناختی، حفاظت اطلاعات، بصیرت، افزایش علم

۱- دانشیار تفسیر و علوم قرآنی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه پیام نور - عضو هیئت‌علمی دانشگاه جمع امام حسین (علیه‌السلام) Hasan.sadeghi20@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از مباحث عمده‌ای که در نظام مقدس جمهوری اسلامی مطرح بوده و در سال‌های اخیر با جدیت بیشتری از طرف دلسوزان این نظام دنبال می‌شود تحول در علوم بویژه علوم انسانی است که پس از طی مرحله‌ی تغییر رویکرد آن از علوم انسانی غربی به علوم انسانی اسلامی، روزی فرارسد که علوم انسانی بر اساس مبانی اسلام شکل بگیرد و به دنبال آن تحول اساسی در ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی و ... جامعه و نظام اسلامی صورت پذیرد و مسیر نیل به جامعه‌ی آرمانی اسلامی هموار تر گردد. چرا که بسیاری از علوم انسانی که سال‌هاست پس از انقلاب اسلامی در کشور ما تدریس می‌شود برگرفته از علوم انسانی غربی است که بر مبانی غیردینی (و ترجیحاً اومانیستی) استوار است که نتایج و پی‌آمدهای متناسب با آن نوع از مبانی فکری را به دنبال داشته است.

یکی از حوزه‌هایی که از این منظر و به طور جدی نیازمند تحول است حوزه‌ی علوم امنیتی، اطلاعاتی و حفاظتی است.

پس از تثبیت نظام اسلامی و غلبه‌ی بر دشمنان، یکی از موضوعات اساسی و دغدغه‌های مسؤولین، بازنگری در سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی بویژه برای شکل‌دهی آن‌ها براساس مبانی فکری اسلامی و ساختار و سازمان و قواعد و احکام منبعت از آن بود. اگرچه در این زمینه توفیق‌های فراوانی حاصل شده که نمونه‌های آن بازنگری در نظام آموزشی و محتواهای درسی، حذف محتواهایی که اشکال فاحش داشتند و با مبانی دینی سازگار نبودند، اهمیت دادن به مباحث تربیتی و اخلاقی اسلامی و ترویج اخلاق اطلاعاتی، تولید و تدریس محتواهای مربوط به فقه حفاظتی، تأکید بر اجرای احکام اطلاعاتی و ... می‌باشد، اما تا رسیدن به نقطه‌ی مطلوب نیاز به تلاش‌های فراوان علمی و عملی است. بدین‌سان و براساس توضیحات پیش‌گفته یکی از ضرورت‌های بایسته‌ی این گونه سازمان‌ها تدوین مبانی فکری متناسب و مستخرج از منابع اسلامی، به‌ویژه قرآن و سنت است.

یکی از تفاوت‌های اساسی سازمان حفاظت اطلاعات در اسلام و سازمان‌های حفاظتی غربی یا شرقی با توجه به تفاوت‌های مبنایی، تمایز در مقوله‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است.

ارزش‌گذاری رفتارها، نیاز به شناخت معیارها و ملاک‌های ارزشی و اخلاقی دارد و بررسی مسائل مربوط به آن‌ها، ما را به «فلسفه‌ی اخلاق» رهنمون می‌شود. دستیابی به پاسخ‌های صحیح و منطقی در مسائل مربوط به حوزه‌های علوم دستوری و ارزشی در گروهی شناسایی حقیقت انسان و ابعاد وجودی و آغاز و انجام و کمال و سعادت نهایی اوست که نوع دیگری از کاوش‌های عقلانی را می‌طلبد و می‌توان آن را

«انسان‌شناسی فلسفی» نامید و این رشته‌ی معرفتی خود مبتنی بر اصول دیگری است که در «هستی‌شناسی» تبیین می‌شود و شامل مسائل «خداشناسی» نیز می‌گردد. سرانجام، ارزیابی آراء و عقاید، در هریک از شاخه‌های معرفتی، نیازمند بررسی مسائل دیگری است که درباره‌ی خود شناخت مطرح می‌شود و قلمرو «معرفت‌شناسی» را تشکیل می‌دهد. (ر.ک: رجبی، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲) تمایز این قلمروها و حوزه‌ها منجر به نگاه‌های متفاوت هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی و به تبع آن تمایز در تولید علم خواهد شد، که علوم مربوط به امنیت و اطلاعات و حفاظت اطلاعات نیز از این امر مستثنا نیستند.

در نگاه کلی و از آن‌جا که موضوع تحقیق حاضر از دریچه‌ی اخلاق مورد بررسی قرار گرفته پیوند آن با بُعد ارزش‌شناختی روشن است. اما این بُعد همانگونه که اشاره شد جدا از ابعاد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی نیست. بدیهی است که این ابعاد در مکاتب مختلف، متمایز است که منجر به تفاوت‌های اساسی آن‌ها می‌گردد. مبانی فکری (پارادایم)^۱ مورد نظر در این تحقیق مبانی فکری اسلامی با محوریت توحید است که جنبه‌هایی از ابعاد معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی را به دنبال خواهد داشت که اسلام را از سایر مکاتب متمایز می‌نماید.

برای نمونه، انسان در نگرش توحیدی خود را تسلیم ارزش‌هایی می‌داند که از سوی خداوند معین می‌شود به عبارت دیگر ارزش، عبارت است از آن‌چه که خداوند مشخص کرده‌است درحالی‌که در نگاه اومانیستی این ارزش‌ها مردود و ناپذیرفتنی است چون طبق منظومه‌ی فکری آن‌ها با آزادی و استقلال آدمی سازگار نیست چراکه بشر باید آزادی خود را در طبیعت و جامعه تجربه کند و خود بر سرنوشت خویش حاکم شود این انسان است که حقوق خویش را تعیین می‌کند نه آن‌که تکلیفی از مافوق برای او تعیین شود. (ر.ک: همان: ۴۲-۴۳) درحالی‌که از دیدگاه و نگرش توحیدی خدای سبحان کمال محض و کمال‌آفرین است، هرچه از او ظهور کند کامل است. عالم و آدم از او ظهور کرده و هر دو از مظاهر کمال حقتند. همه‌ی ذرات عالم هستی به سوی کمال در حرکتند و مسیر امر الهی را طی می‌کنند. انسان نیز تافته‌ای جدابافته از جهان خلقت نیست، از این رو سعی می‌کند با رسیدن به کمال مطلوب، خود را با مجموعه‌ی جهان آفرینش هماهنگ سازد، راه هماهنگ شدن با نظام پیوسته جهان، در سیر به سوی کمال مطلوب، کسب فضایل اخلاقی است. اخلاق این توانایی را دارد که انسان متخلق را در این مسیر با این مجموعه هماهنگ کند،

۱. Paradigm

نمونه عالی، سرمشق فکری، الگوی نظری، واژه‌ی افلاطونی به معنی مثال یا عالم مثال، اکنون به معنی مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها در زمینه‌ای خاص که به تشکیل یک نظریه کمک می‌کنند و یا یک نظریه کلی است که انسان درباره قلمرویی از هستی دارد و با توجه به آن نظریه کلی و پارادایم یا الگوی فکری حاکم بر اندیشه‌اش، آنچه را می‌خواهند انتخاب می‌کند و مورد تجزیه و عمل قرار می‌دهد. (آقا بخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۲: ۴۸۹-۴۸۸)

انسان نیز به طور طبیعی پذیرای چنین هماهنگی است و در مسیر کمال مطلق در حرکت است. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۵۱) بدیهی است که حدود و ثغور این فضایل اخلاقی از طریق خداوند متعال معین گردد. بنابراین از نظر اسلام ارزش‌های اخلاقی و احکام دینی جایگاه ویژه‌ای در عملکرد نیروهای حفاظتی دارد. انجام مأموریت‌های حوزه‌ی حفاظت اطلاعات در اسلام به دلیل اهمیت، ظرافت، دقیق بودن و پیچیدگی، از یک‌سو نیازمند به تیزبینی، نگرش هوشمندانه و عمیق است و از سوی به دلیل عوارض ناشی از ماهیت این مأموریت‌ها و نوع فعالیت‌ها، تبعات و آسیب‌های اخلاقی با درصد احتمال بالا رخ‌نمایی می‌کند. البته به دلیل اینکه از یک‌سو این نشریه بنا به مصالحی فاقد طبقه‌بندی است و علیرغم اینکه ذکر نمونه‌ها و مصادیق در تبیین مطالب تأثیر قابل توجه دارد از بیان آن‌ها معذوریم اما از سوی دیگر بدلیل اینکه اکثریت مخاطبان آن، آشنا به موضوع یا متخصص در این امور هستند داشتن حداقل‌های تخصص و ورود در این زمینه درک مباحث را آسان و تا حدودی مشکل را مرتفع می‌نماید که «أَعْقِلُ يَكْفِيهِ الْإِشَارَةُ». با این اوصاف سؤال مهم این است که چگونه می‌توان هم لوازم کار نیروی اطلاعاتی را فراهم کرد که مأموریت‌های حساس و مهم را به انجام رساند و هم از عوارض ناشی از آن و آفات اخلاقی سر راه دوری جوید یا در صورت ابتلاء به این عوارض، اقدام به رفع آن نماید.

در پی جویی برای رسیدن به راه‌حل‌های مناسب و پس از مطالعه و بررسی اولیه، فرضیه‌ی این پژوهش بر این نهاده شد که از نظر اسلام (قرآن و حدیث) یکی از راه‌حل‌های اساسی، رسیدن به «مقام بصیرت» است. به عبارتی بصیرت از عوامل مؤثر در نیل به این امور است. بنابراین روشمندان، آنگونه که در علوم اسلامی مطرح است با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) و به استناد تفسیر و تحلیل عالمان و کارشناسان حوزه‌ی تفسیر قرآن و حدیث و پس از جمع‌آوری شواهد مرتبط و بررسی و تنظیم منطقی آن‌ها، به کمک دانش نظری در حوزه‌ی قرآن و حدیث و تجربه‌ی عملی دیرینه در حوزه‌ی اطلاعات و حفاظت اطلاعات، تحلیل، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفت.

با بررسی‌های بعمل آمده مشخص گردید گرچه در مورد بصیرت بویژه در سال‌های اخیر مطالبی نگاشته شده‌است اما بصیرت در حفاظت اطلاعات آن هم از دریچه‌ی نگاه ارزش‌شناختی مبتنی بر مبانی و انگاره‌های فکری اصیل قرآن و حدیث، با دید جامع‌نگری که هم شامل برداشت‌های رایج از بصیرت گردد و هم به شکلی بدیع، اهمیت، نقش و جایگاه بصیرت را در زدودن غبارها، زنگارها و جراحات اخلاقی و تصفیه‌ی درونی که منجر به طهارت باطنی و به تبع آن افزایش دانش و آگاهی و ژرفاندیشی گردد که از لوازم ضروری فعالیت در حوزه‌ی حفاظت اطلاعات است تاکنون به آن پرداخته نشده‌است و جنبه‌ی نو و ابتکاری

بودن این پژوهش به همین دلیل است، چیزی که محصول تلفیق و پیوند دانش نظری در حوزه‌ی قرآن و حدیث از یک‌سو و تجربیات عملی سی‌ساله در حوزه‌ی اطلاعات و حفاظت اطلاعات از سوی دیگر است.

۲- اهمیت و ضرورت

ضرورت، اهمیت و موضوعیت حفاظت اطلاعات در نظام اسلامی براساس ادله‌ی نقلی و عقلی امری پذیرفته شده‌است. متون دینی و شواهد تاریخی چه در صدر اسلام و حضور حضرت ختمی مرتبط (صلی الله علیه و آله و سلم) و چه در زمان ائمه معصومین (علیهم السلام) به خوبی این امر را اثبات می‌کند. از ابتدای تأسیس حکومت اسلامی به دست توانای پیامبر گرامی اسلام و شکل‌گیری ابعاد مختلف آن از یک‌سو و شروع توطئه‌های کفار و منافقین و یهودیان از سوی دیگر به‌ویژه با آغاز درگیری‌های نظامی، ضرورت کار اطلاعاتی و تأکید بر حفظ اطلاعات حوزه حکومت اسلامی رخ نمود و متناسب با شکل‌گیری منسجم‌تر و قوت حکومت اسلامی از یک‌سو و پیچیدگی توطئه‌ها و عدوات‌های دشمنان اسلام و مسلمین از سوی دیگر، حوزه‌های اطلاعات و حفاظت اطلاعات نیز از اهمیت بیشتری برخوردار شد.

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام اسلامی و به دنبال آن توطئه‌های گوناگون، فراوان و بی‌وقفه دشمنان اسلام و نظام اسلامی شکل‌گیری مجموعه‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی را ایجاد نمود بدیهی بود که در چنین شرایطی و در نظامی که اجزاء حکومت را از قبل براساس مبانی فکری خویش طراحی ننموده بود و از سویی آماج توطئه‌ها و درگیری‌های متعدد گشته با بهره‌گیری از دستاوردهای موجود بشر و مجموعه‌های اطلاعاتی موجود (چه شرقی و چه غربی) و همچنین دستاوردهای اطلاعاتی و حفاظتی صدر اسلام برای حفظ موجودیت خویش و مبارزه با دشمنان قسم‌خورده به تشکیل حداقلی مجموعه‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی مبادرت ورزد. (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۵۹-۳۶۰) اما براساس توضیحات پیش گفته عمل براساس مبانی اسلامی و تغییر رویکردهای عملیاتی و پشتیبانی در حوزه‌ی حفاظت اطلاعات به سمت تطابق با احکام و اخلاق حفاظتی یکی از بایسته‌های موفقیت‌آمیز این مأموریت مهم در نظام اسلامی است که به دلیل ابتلائات فراوان فقهی - اخلاقی در این حوزه‌ی کاری (به دلیل نوع و ماهیت مأموریت) به جاست که هرچه بیشتر مقولاتی از این دست مورد پژوهش، بحث و بررسی، ارائه راه حل و بالاخره کار بست قرار گیرد.

۳- عمل براساس بصیرت در حفاظت اطلاعات

یکی از ضروریات حوزه‌ی حفاظت اطلاعات و از جمله اوصاف مهمی که کارکنان سازمان حفاظت اطلاعات باید دارا باشند ویژگی «عمل براساس بصیرت» است. با توجه به حساسیت و خطیر بودن حفاظت اطلاعات اگر کارکنان این حوزه از این ویژگی برخوردار نباشند نه تنها کارایی لازم را نخواهند داشت بلکه در مواردی، ممکن است باعث ضرر و زیان‌ها و خسارات مادی و معنوی گردند که گاهی بخشی از آنها غیرقابل جبران است.

۳-۱- اهمیت بصیرت

امام علی (علیه‌السلام) در اهمیت بصیرت و ترجیح آن بر بَصَر فرمودند:

«فَقَدْ أَبْصَرَ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ»

«چشم سر را از دست دادن آسان‌تر است تا چشم دل» (حکیمی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۵)^۱

آن حضرت در وصف زاهدان، از جمله اوصافی که برای آنان ذکر می‌کند این است که در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می‌کنند:

«... عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ...» (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۶۸)

امام (علیه‌السلام) همچنین در توصیه به یاران خویش راجع به حرکت بر مبنای بصیرت می‌فرماید:

«فَأَنْفَعُوا عَلِيَّ بَصَائِرِكُمْ» «پس بر پایه بینش‌های خود به راه افتید.» (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۱۶)

وجود گرامی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در اهمیت بصیرت فرمودند که: کور آن نیست که چشم او کور است بلکه کور آن است که بصیرتش کور است.

«لَيْسَ الْأَعْمَى مَنْ يُعْمَى بَصَرُهُ إِنَّمَا الْأَعْمَى مَنْ تُعْمَى بَصِيرَتُهُ» (پابنده، ۱۳۶۰: ۵۰۲)

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هم فرمودند:

«نَظَرُ الْأَبْصَرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ»

«نگاه چشم سود نمی‌دهد هرگاه کور باشد بینایی» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۶: ۱۷۴-۱۷۵)

یکی از نیازهای مبرم کارکنان حفاظت اطلاعات، داشتن علوم و اطلاعات لازم در زمینه‌ی مأموریت‌ها و فعالیت‌های خویش است.

۱- همچنین ر.ک: شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۴۱۳.

آن حضرت گشایش اسرار زیادی از علوم و معارف را مختص اهل بصیرت می‌داند آنجا که می‌فرماید:

«قَدَرِ انْجَابَتِ السَّرَائِرِ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ»

«به تحقیق که گشوده شده است پوشیده‌ها از برای اهل بینائیها؛ یعنی اهل بصیرت اسرار بسیار از علوم و معارف برایشان گشوده می‌شود.» (همان، ج ۴: ۴۷۶-۴۷۷)

و حتی کسی را که فاقد بصیرت باشد فاقد علم می‌داند:

«لَا عِلْمَ لِمَنْ لَا بَصِيرَةَ لَهُ»

«نیست علمی از برای کسی که نباشد بینایی از برای او؛ یعنی بینایی که به آن حق را از باطل جدا کند و اگر نه علم او جهل باشد مانند علم علمای غیرمذهب حق.» (همان، ج ۶: ۴۰۱)

اگر به کلام نورانی پیامبر گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) دقت کنیم می‌بینیم که بصیرت مبنای حرکت درست، علم‌آور و نیاز ضروری اصحاب و پیروان شمرده شده است. نیروی حفاظتی در انجام وظایف تخصصی خویش محتاج علم و دانش، روشن‌بینی و حرکت صحیح و به موقع است و هر لحظه در معرض قضاوت بین حق و باطل پدیده‌ها، رویکردها و عملکرد کارکنان تحت حوزه‌ی مأموریتی خویش است و فقدان قوه‌ی تشخیص و تمیز در این زمینه نقص بزرگی محسوب می‌شود که گاهی منجر به خسارات فراوان و احياناً جبران ناپذیر می‌گردد.

۳-۲- معنی بصیرت

«الْبَصْرُ» به عضوی که می‌بیند و قوه‌ای که در آن است گفته می‌شود. و به قدرت ادراک قلب، بصیرت گفته می‌شود. جمع بَصْر، ابصار است و جمع بصیرت، بصائر است. به نایبنا یعنی (ضریر) هم بطور معکوس - بصیر - گفته‌اند، اما تعبیر شایسته و سزاوار این است که این نام‌گذاری به خاطر روشنایی قلب او است. (ر.ک: راغب اصفهانی: ۱۳۹۲ ق: ۴۶-۴۷)

همچنین بصیرت را به زیرکی، هوشیاری، بینش و روشن‌بینی معنی کرده‌اند (ر.ک: انیس و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۲۳-۱۲۴) بصیرت را به یقین و نور قلب معنی کرده و بصائر را که جمع آن است به معنی «حجج بینه» و دلایل روشن تعبیر کرده‌اند. (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۲۴) بصیرت نیروی قلب نورانی به نور پاک است که به وسیله آن حقایق اشیاء و بواطن آن دیده می‌شود. (ر.ک: حسینی مدنی شیرازی، ۱۴۲۵ ق: ج ۴: ۱۴)^۱

نیروی حفاظتی باید فراز و نشیب و عاقبت وظیفه‌ی خطیر خویش را بشناسد.

از نظر امام علی (علیه‌السلام) شخص خردمند و بصیر کسی است که دلی نگرنده دارد که سرانجام خود را با آن می‌بیند و نشیب و فراز راه را می‌شناسد.

«وَ نَاطِرُ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ، وَيَعْرِفُ غَوْرَهُ وَ نَجْدَهُ»

«خردمند را دلی است نگرنده که سرانجام خود را با آن ببیند، و نشیب و فراز راه را بشناسد.» (جعفری،

۱۳۸۹: ۲۱۸)

۳-۳- مفهوم‌شناسی بصیرت از دیدگاه قرآن و در ارتباط با حفاظت اطلاعات

در آیات پایانی سوره مبارکه یوسف این معنا خاطر نشان شده که ایمان کامل که همان توحید خالص باشد مقام عزیز و فضیلت کمیابی است که جز تعداد اندکی از مردم به آن نمی‌رسند و اما اکثر مردم ایمان آور نیستند. «وَ مَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ»^۱ و آن اقلیتی هم که ایمان می‌آورند ایمانشان آمیخته به شرک است. «وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ»^۲ پس برای ایمان محض و توحید خالص جز تعداد اندکی از مردم باقی نمی‌ماند. و این توحید خالص همان راهی است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و همچنین پیروانش با بصیرت بدان دعوت می‌کردند. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۳ در این آیه شریفه پیامبر گرامی راه را اعلام کرده «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي» و جمله «ادعوا الی الله علی بصیرة» بیان راه است. آنگاه خداوند را تقدیس می‌کند و با جمله «وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» معنای دعوت به خدا را از این جهت تأکید می‌کند که این دعوت به سوی خدا دعوتی نیست که هر طوری که شد صورت گیرد بلکه دعوتی است که براساس توحید خالص صورت می‌گیرد و به هیچ وجه، از توحید به سوی شرک گرایش نمی‌یابد. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۷۴-۳۷۸)

«اطیب البیان فی تفسیر القرآن» مشارالیه «هذه» را مجموعه دین مقدس اسلام از عقائد حقّه و

اخلاق فاضله و احکام شرعیه و دستورات الهیه می‌داند و تعبیر به «هذه» به جای «هذا» را به واسطه

۱- و بیشتر مردم مؤمن نخواهند شد هر چند [بر ایمان آوردنشان] بسی آرزو بری. (یوسف/ ۱۰۳)

۲- و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر اینکه [در همان حال] مشرکند. یعنی به حقیقت توحید نرسیده‌اند. (یوسف/ ۱۰۶)

۳- بگو: این راه من است که با بینایی به سوی خدا می‌خوانم من و هر که از من پیروی کند. و پاک است خدای، و من از مشرکان

نیستم. (یوسف/ ۱۰۸)

اشتمال بر همهٔ اینها می‌داند چون دین مقدس اسلام عبارت است از امور دینی و صفات قلبیه و ملکات نفسانی و اعمال جوارحیه و عقاید و اخلاق و افعال. (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۹۱)

همچنین «علی بصیره» را به معنی از روی بینایی و یقین و اطمینان تعبیر کرده است و برای بصیر دو معنا ذکر کرده، یکی مقابل عمی و دیگری دانای به حقایق امور. و اطلاق «هو السميع البصير» را بر خداوند به معنی از روی مدرک و دلیل و برهان نه از راه تقلید و هوای نفس و عصبیت گرفته است. (ر.ک: همان: ۲۹۲)

در اینکه «انا و من اتبعنی» متعلق به «ادعوا الی الله» باشد یعنی من و کسانی که متابعت مرا می‌کنند دعوت «الی الله» می‌کنیم و به این راه دلالت و هدایت می‌نمائیم، یا اینکه متعلق به بصیرت باشد یعنی از روی بصیرت دعوت می‌کنیم، نکته قابل توجهی است که چون احتمال دوم را اقرب دانسته‌اند (ر.ک: همان) می‌توان جایگاه و اهمیت بصیرت را بویژه در این آیه‌ها دریافت.

کلمهٔ بصیرت به معنای رؤیت قلبی و ادراک باطنی است. بعضی از مفسرین گفته‌اند مراد از بصیرت حجت است و انسان هم خودش حجتی است علیه خودش، در آن روز وقتی بازجویی می‌شود و از چشم و گوش و دلش سؤال می‌شود همان چشم و گوش و حتی پوست بدنش و دو دست و دو پایش به سخن آمده علیه او شهادت می‌دهند. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۶۹)

علی بصیره، ای علی یقین، ایمان ما ایمان جُهال و مقلدین نیست. (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۰۵) علی بصیره: از روی یقین و معرفت و دلیل قاطع نه از روی تقلید. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ۳۱۰) اَلْبَصِيرَةُ هِيَ الْحُجَّةُ الْوَاضِحَةُ. (ر.ک: ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۲۶)

در تفسیر المیزان نیز مقصود از بیان «انا و من اتبعنی» به این شکل بیان شده که بار این دعوت تنها به دوش من نیست بلکه به دوش کسانی هم که مرا پیروی کرده‌اند هست و باین جمله دعوت را توسعه و تعمیم داده و می‌فهماند با اینکه راه، راه رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است لیکن بار دعوت به آن، تنها به دوش آن جناب نیست.

در ادامهٔ این موضوع نکتهٔ مهمی مطرح شده که گرچه از ظاهر خود آیه این توسعه و تعمیم فهمیده می‌شود و لیکن سیاق دلالت می‌کند بر اینکه شرکت دادن پیروان به این عمومیتی هم که از جمله «و من اتبعنی» استفاده می‌شود نیست (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۷۸) و چنین استدلال شده است:

«زیرا سبیلی که در آیه شریفه آمده همان دعوت با بصیرت و یقین به سوی ایمان محض و توحید خالص است و معلوم است که در چنین سبیلی تنها کسانی شرکت دارند که در دین مخلص برای خدا باشند و عالم به مقام رب‌العالمین و دارای بصیرت و یقین بوده باشند، و چنین نیست که هر کس که کلمه «تابع رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)» بر او صادق بود او نیز شریک در این دعوت بوده باشد، و نیز چنین مقام، مقامی نیست که حتی آن پیروان و مؤمنینی هم که خدا در آیه قبلی از مشرکینشان خواند و به غفلت از پروردگار و ایمنی از مکر او و اعراض از آیات او مذمتشان کرده بود به آن نائل شوند.» (همان)

نیروهای حفاظت اطلاعات باید از روی بنیایی، یقین و اطمینان حرکت کنند نوع مأموریت نیازمند دانستن حقایق امور است نه عمل براساس شبهه و تردید که آفت‌زا و ایمان‌سوز است. در پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های شغلی حفاظت اطلاعات یکی از نکته‌های مهم این است که فعالان این عرصه در بن بست واقع نشوند و یا در حیرت ناشی از دوراهی‌های تردید که به طور مکرر در مسیر این فعالیت‌ها (بوژه مأموریت‌های عملیاتی) رخ‌نمایی می‌کند قرار نگیرند و از همه مهمتر اینکه در چنین مواقعی بتوانند با اطمینان متکی بر مبانی اسلامی مسیر حق را تشخیص دهند و راه باطل را نفی کنند.

در کتاب «شرح منازل السائرین» در باب بصیرت پس از بیان آیه «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی» آمده است که: «الْبَصِيرَةُ مَا يُخَلِّصُكَ مِنَ الْحَيْرَةِ» یعنی بصیرت چیزی است که تو را از حیرت رها می‌سازد و رهیدن از حیرت توسط بصیرت چنین توجیه شده است که بصیرت همان عقلی است که با نور قدس، منور و به شعاع هدایت الهی آراسته گشته است و از این رو در مشاهده، خطا نمی‌کند و به دلیل و برهان نیاز ندارد، بلکه حق را، روشن و آشکار، می‌بیند و باطل را با خواری و ذلت نفی می‌کند. و از این رو، بصیرت، انسان را از حیرت و تشویش و تردید می‌رهاند و هرگونه شبهه‌ای را طرد می‌کند.^۱ (ر.ک: کاشانی، ۱۳۷۹: ۱۸۹-۱۹۳)

با عنایت به نکته‌های بیان شده می‌توان دریافت که سبیل رسول خدا که همان مجموعه دین است، همه صفات، ملکات، عقاید، اخلاق و افعال را شامل می‌شود، به تعبیری همه اعمال انسان مؤمن و موحد را دربر می‌گیرد و اگر بخواهد تبعیت واقعی از رسول خدا داشته باشد باید از بزرگترین عمل که دعوت به سوی خداست تا سایر اعمالش براساس بصیرت صورت بگیرد، آنهم بصیرت حقیقی که مرحله بالای رشد، فهم عمیق و یقین همراه با ایمان محض و توحید خالص است و البته دست‌یابی به آن به مجاهده مستمر با نفس و تمرین عملی توحیدی نیاز دارد.

در عین حال اگر ایمان و توحید و تبعیت از رسول خدا و عمل براساس بصیرت را دارای مراتب بدانیم که مرتبه‌ی اعلای آن همان است که بیان شد، نباید از تلاش برای دستیابی به مراتب نزدیک به آن مرتبه یا مراتب دیگر فروگذار نمود و به هر میزانی که میسر گردد باید اعمال خویش را براساس مرتبه‌ی مناسبی از بصیرت بنا نهیم.

همان‌گونه که بیان شد این کار نیاز به مجاهده‌ی مستمر با نفس و تمرین عملی توحیدی دارد. در حفاظت اطلاعات این کار را می‌توان از دو راه فردی و تشکیلاتی دنبال نمود. نیروی حفاظتی باید هر لحظه خود را در تمرین گرایش توحیدی قرار دهد، بنابراین به هر میزان که برایش مقدور است باید با آنچه او را به اخلاق و عمل الهی نزدیک می‌کند از ارتقاء سطح بینش و دانش دینی و نماز و دعا و توسل و زیارت معصومین (علیهم السلام) گرفته تا هر نوع عمل خیر دیگر پیوند بخورد. از سوی دیگر مسؤولیت و رسالت تشکیلاتی ایجاب می‌کند که مسؤولان حفاظت اطلاعات در برنامه‌ریزی و اجرای همه‌ی مواردی که نیروی حفاظتی را از این حیث توانمند و استوار می‌نماید سعی وافر بعمل آورند، از سرمایه‌گذاری برای مراکز تربیتی، آموزشی و پژوهشی حفاظت گرفته تا اجرای برنامه‌های عبادی، فرهنگی و زیارتی لازم و کارشناسی شده. که براساس تجربیات چندین ساله از اجرای چنین برنامه‌هایی، اثرات بسیار مفید آن برای کسانی که شاهد این موارد بوده‌اند مبرهن است.

۳-۴- شروط تحقق بصیرت

امروزه موضوع بصیرت و تأکید بر عمل براساس بصیرت در افواه، مجامع، رسانه‌ها و نوشته‌ها به وفور بیان می‌شود و در بیشتر آنها جنبه‌های سیاسی و اجتماعی مورد نظر است. به نظر می‌رسد در این موضوع بیشتر به کسب اطلاعات و جمع‌آوری مطالب پیرامون موضوعی و دقت نظر در آن و بررسی ابعاد مختلف آن و نهایتاً ژرف‌اندیشی تأکید می‌شود، اما سؤال اساسی این است که اگر بنا باشد همه‌ی اعمال و رفتار ما به عنوان یک مسلمان مؤمن و به تخصیص به عنوان حافظ انقلاب ارزشمند اسلامی و دست‌آورد‌های آن براساس بصیرت صورت گیرد، آنهم بصیرت برخاسته از اسلام و قرآن، راه رسیدن به چنین بصیرتی چیست؟ برای تحقق بصیرت از دو جنبه‌ی ایجابی و سلبی می‌توان سخن گفت. از جنبه‌ی ایجابی باید عواملی را که موجب بصیرت می‌شود برشمرد و به آن عمل کرد و از جنبه‌ی سلبی عواملی را که مانع تحقق بصیرت است برطرف نمود. که با توجه به اینکه هر دو جنبه در موارد ذیل با هم مورد بررسی قرار می‌گیرد از تقسیم‌بندی تفکیکی خودداری شده و تفاوت موارد ایجابی و سلبی روشن است.

۳-۴-۱ - نورانیت دل و پرهیز از غفلت و گناه

از آنجا که بصیرت را نورانیت دل دانسته‌اند باید دید چگونه دل نورانی می‌شود؟ امام علی (علیه‌السلام) دوام و استمرار یاد خدا را موجب روشنی دل و فکر می‌داند:

«دَوَامُ الذِّكْرِ يُنِيرُ الْقَلْبَ وَ الْفِكْرَ» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۲۱)

از سوئی غفلت و گناه مانع بصیرت است و برای تحقق بصیرت باید از غفلت به بیداری و از گناه به توبه و صلاح رسید، چرا که غفلت و بی‌خبری را زیان رساننده‌ترین دشمنان دانسته‌اند:

«الْغَفْلَةُ أَضْرُّ الْأَعْدَاءِ» (همان، ج ۱: ۱۲۸)

و استمرار غفلت موجب می‌شود که بینایی و قوت دریافتی که حق تعالی به آدمی داده زایل گردد:

«دَوَامُ الْغَفْلَةِ يُعْمِي الْبَصِيرَةَ» (همان، ج ۴: ۲۲)

مراد این است که عادت کردن به غفلت از یاد حق، باعث می‌شود که بینایی و قوت دریافتی که حق تعالی به آدمی داده زایل و باطل گردد و قابلیت ادراک حقایق و معارف از او گرفته شود. البته ممکن است مراد از غفلت، ترک تفکر و تدبّر و پرداختن به لهو و لعب باشد و اینکه عادت به اینها باعث زوال بینایی گردد. (ر.ک.: همان)

همچنین پرداختن به عیوب خویش و کنده شدن از گناهان را لازمه بصیرت برشمرده‌اند:

«أَبْصَرُ النَّاسِ مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَهُ وَ أَقْلَعَ عَنْ ذُنُوبِهِ» (همان، ج ۲: ۴۱۰)

«بیناترین مردم کسی است که ببیند عیبهای خود را و باز ایستد از گناهان خود»

گاهی اوقات ممکن است به خاطر ضرورت دقت و استمرار در فعالیت‌های حفاظتی، برای انسان غفلت حاصل شود بویژه زمانی که این غفلت، غفلت از یاد خدا باشد علاوه بر اینکه غفلت به خودی خود، دور کننده‌ی از مقصد الهی است اگر این غفلت در کنار انجام مأموریت‌هایی اتفاق بیافتد که بعضی وقت‌ها بر-اساس حکم ثانویه انجام می‌شود که علیرغم ضرورت و مشروع بودن انجام آن، بدلیل ماهیت عمل، آفت‌زا است، در این صورت مشکل دوچندان می‌شود. نیروی مؤمن حفاظتی باید هر لحظه خود را در محضر خداوند متعال ببیند و بیداردلی او مستمر باشد و در صورت احساس گناه به خداوند رجوع کند و حتی در حالت عادی و غیر احتمال گناه نیز چنین باشد تا منیب و اواب بودن در موردش صادق باشد و تا تداوم و استمرار این حالات معنوی مانع از غفلت از یاد خدا گردد و بدین وسیله زمینه‌ی گناه نیز مرتفع گردد.

با استناد به حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌توان یکی از راه‌های اساسی برای رسیدن به بصیرت را شناخت و در پرتو تحلیل آن امام بزرگوار (علیه‌السلام) از این موضوع، راه کار مناسبی برای تحقق بصیرت حقیقی پیدا کرد.

۳-۴-۳ - استغفار و توبه

در تفسیر عیاشی (کتاب التفسیر) از امام صادق (علیه‌السلام) حدیثی نقل شده که ضمن آن، امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «و در کتاب خدا، نجات از هلاکت و بصیرت از کوردلی و راهنمایی به سوی هدایت و شفای از بیماری دل وجود دارد و شما آن را در آیاتی جستجو کنید که به استغفار با توبه امرتان می‌کند.»

«... وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ الرَّذَىٰ وَ بَصِيرَةٌ مِنَ الْعَمَىٰ، وَ دَلِيلٌ إِلَى الْهُدَىٰ، وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ فِيمَا أَمَرَكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ الْأَسْتِغْفَارِ مَعَ التَّوْبَةِ...»

امام صادق (علیه‌السلام) در ادامه دو نمونه از آیات را ذکر می‌فرماید:

«وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران/ ۱۳۵)

«و آنان که چون کار نکوهیده و زشتی کنند یا [با ارتکاب دیگر گناهان- یا گناهان کوچک-] بر خویشتن ستم کنند خدای را به یاد آرند و برای گناهانشان آمرزش خواهند- و جز خدا کیست که گناهان را بپامرزد؟ و بر آنچه کرده‌اند، در حالی که [بدی و زشتی و کيفر آن را] می‌دانند، نپایند.»

«وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/ ۱۱۰)

«و هر که کار بدی کند یا به خود ستم کند آنگاه از خدا آمرزش بخواهد خدا را آمرزگار و مهربان یابد.»

امام (علیه‌السلام) می‌فرماید این نمونه‌ای است از آیاتی که خداوند در آن امر به استغفار فرموده است و البته استغفار را مشروط به توبه و دل‌کندن از گناه کرده است.

«فَهَذَا مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْأَسْتِغْفَارِ، وَ اشْتَرَطَ مَعَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ»

به این دلیل که در مأموریت‌ها و فعالیت‌های حفاظتی بویژه در مواردی مانند جمع‌آوری، تعقیب و مراقبت، شنود، بازجویی، پیگیری پرونده و ... مواجهه با شیطان و هوای نفس و به تبع آن ورود به جرگه‌ی گناه محتمل است، نیروی مؤمن و تیزبین حفاظتی باید ضمن هشیاری و پرهیز از افتادن در دام شیطان و هوای نفس، بطور مستمر از استغفار مدد جوید.

۳-۴-۳- عمل شایسته (صالح)

در این حدیث نورانی امام صادق (علیه‌السلام) شرط دیگری را نیز برای پذیرش استغفار بیان فرموده‌اند که همان عمل شایسته (صالح) است، زیرا در ادامه آن می‌فرماید:

فَإِنَّهُ يَقُولُ «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» وَ هَذِهِ الْآيَةُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْأَسْتَغْفَارَ لَا يَرْفَعُهُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ التَّوْبَةُ» پس معلوم می‌شود بدون توبه و عمل شایسته (صالح) استغفار به سوی خدا بالا نمی‌رود.^۱ (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۹۸)

امام (علیه‌السلام) مسأله دل‌کندن را از جمله «لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا» و احتیاج توبه و استغفار به عمل شایسته (صالح) را از «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» استفاده فرموده است. چون جمله «کلمه‌های طیب» عمومیت دارد هم شامل عقائد می‌شود و هم استغفار. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۵-۳۶)

در این حدیث شریف امام صادق (علیه‌السلام) بصیرت را نقطه مقابل کوردلی دانسته‌اند به عبارتی فقدان بصیرت مساوی کوردلی است و نسخه شفابخش نابینایی دل، بصیرت است. پس اگر دلی روشن و بینا شد و صاحب آن از عمای دل نجات یافت به بصیرت رسیده است. امام (علیه‌السلام) راه چاره برای این کار را رجوع به توبه و استغفار و بهره‌گیری از آیاتی که به توبه و استغفار امر می‌کند دانسته‌اند.

توبه چه زمانی لازم است؟ زمانی که به هر دلیل اعم از غفلت یا گناه و... از خدا برگشت کرده‌ایم و به همین دلیل باید استغفار کنیم تا رجوع خداوند به ما صورت گیرد و موفق به توبه شویم «... ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۲ و غفران خداند شامل حال ما گردد.

طبق فرمایش امام، استغفار مشروط به توبه است همچنین آن حضرت در بخشی دیگر از بیانات خویش شرط دیگری برای صعود استغفار به سوی خداوند ذکر فرموده و آن، عمل شایسته (صالح) است. و عمل شایسته (صالح)، عمل خالص، سالم و با نیت پاک است که فقط «لِوَجْهِ اللَّهِ» صورت پذیرد. با این وصف هر نوع عمل صالحی از نماز و روزه و ذکر و دعا گرفته تا انفاق و کمک به نیازمندان و رفع حوائج مؤمنین و ... که برای رضای خداوند متعال صورت گیرد جبران‌کننده‌ی بخشی از آسیب‌های محتمل است که از رهگذر انجام مأموریت‌های حفاظتی ممکن است بر سر راه قرار گیرد.

با این توضیحات به این حقیقت می‌رسیم که اگر امام برای رسیدن به بصیرت به آیات توبه و استغفار

۱- همچنین ر.ک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۹۰-۶۹۳.

۲- آنگاه [به بخشایش خود] بر آنان بازگشت تا توبه کنند، که خدا توبه‌پذیر و مهربان است. (توبه/ ۱۱۸)

ارجاع می‌دهند، روشنایی دل و بصیرت با استغفار حاصل می‌شود و استغفار نیز با رجوع به خدا (توبه) و عمل شایسته (صالح) حاصل می‌شود و بدیهی است که با این وصف برای رسیدن به بصیرت شرط اول، پرهیز از گناه است و در صورت ارتکاب آن یا غفلت از یاد خدا، رجوع به خدا و توبه ضرورت می‌یابد تا پس از آن با عمل شایسته (صالح)، نورانیت دل که مساوی با تحقق شرط اصلی بصیرت است حاصل گردد. پس موقعی که تحت عنوان‌های بصیرت، بصیرت‌افزایی و عمل براساس بصیرت سخن گفته و فعالیت می‌شود باید دانست که شرط اول، عدم ورود به جرگه‌ی گناه و معصیت است در غیر این صورت و احیاناً با شائبه‌ی گناه و ورود به حوزه‌ی غیبت و تهمت و افتراء، سخن گفتن از بصیرت چیزی جز فریب خویش و دیگران نیست.

۳-۴-۴- یاد خدا و رجوع به او

با این اوصاف اگر عمل براساس بصیرت، یعنی عملی که از یک سو براساس یقین، حجت و نورانیت دل صورت می‌گیرد که خود رهگشای تشخیص حقیقت است و از سویی باید بر مبنای پرهیز از غفلت و دوری از خدا و پرهیز از گناه صورت گیرد، بدین معنی است که عامل، باید همواره در حال ذکر و یاد خدا و رجوع به حضرت حق و طلب آموزش از او باشد که خود این ذکر و توبه و استغفار زمینه‌های اصلی تشخیص حق و حرکت در صراط مستقیم و موجب تعالی روحی است. اگر چنین شد این عمل، هم عملی شایسته (صالح) و به دور از گناه خواهد بود و هم براساس تشخیص دقیق و درست، و اگر چنین اعمالی در ابعاد مختلف زندگی امت اسلامی نهادینه شود، اصلاح فرد و جامعه و حرکت بر مسیر تکاملی که خداوند متعال معین کرده و نهایتاً رسیدن به مقام قرب الهی تحقق خواهد یافت و به طریق اولی انسان مؤمنی که مسؤولیت خطیر حفاظت و پاسداری از انقلاب اسلامی را بر عهده دارد در صورت اتصاف به چنین اوصافی، هم موفق در رسالت خویش و هم عاری از گناه و آسیب‌های شغلی خواهد بود.

۳-۴-۵- تفکر، عبرت‌پذیری، ازدجار و اقلاع

همانگونه که بیان شد امام صادق (علیه‌السلام) برای تحقق بصیرت به استغفار، توبه و اقلاع، ارجاع داده‌اند. در سلسله‌ای نورانی از سخنان کوتاه امیر کلام امام علی (علیه‌السلام) نیز جایگاه فکر و اقلاع در تحقق بصیرت به خوبی بیان شده است.

آن حضرت می‌فرماید: «لَا بَصِيرَةَ لِمَنْ لَا فِكْرَ لَهُ» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۶: ۴۰۱) پس نقطه آغازین بصیرت، فکر است. البته این اندیشیدن باید به عبرت‌گیری بیانجامد یعنی از چیزی عبور کند و به چیزی دیگر پی ببرد. آن امام همام می‌فرماید: «لَا فِكْرَ لِمَنْ لَا اِعْتِبَارَ لَهُ» یعنی «نیست فکری از برای کسی که

نباشد عبرت‌گرفتنی از برای او، یعنی از چیزها به چیزهای دیگر پی نبرد.» (همان) و این عبرت‌گیری باید به ازدجار منجر شود. چرا که امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَا اِعْتِبَارَ لِمَنْ لَأَ اَزْدَجَارَ لَهُ»^۱ این فراز سخن امام در شرح غرر و در این گونه توضیح داده شده است: «نیست عبرت‌گرفتنی از برای کسی که ازدجاری نباشد از برای او؛ «ازدجار» به معنی قبول منع از چیزی و بازایستادن از آن است و مراد این است که عبرت‌گرفتن آن است که بر وفق آن عمل شود پس اگر کسی پی برد به بدی چیزی و استنباط آن بکند از چیزی و با وجود این ممنوع نشود از آن و بازنایستد؛ آن عبرت نیست و به کار او نیاید.» (همان) و در نهایت هم، تحقق ازدجار را به اقلاع، موکول نموده و بیان داشته‌اند: «لَأَ اَزْدَجَارَ لِمَنْ لَا اِقْلَاعَ لَهُ» «نیست ازدجاری از برای کسی که نباشد اقلاعی از برای او؛ «اقلاع» به معنی بازایستادن از چیزست و ظاهر این است که مراد در اینجا بازایستادن بالکلیه است و دل‌کندن از آن و اینکه عزم این داشته باشد که هرگز دیگر مرتکب آن نگردد.» (همان: ۴۰۱-۴۰۲)

به این ترتیب آن حضرت مرحله نهایی این مسیر آگاهی‌بخش، نورانیت‌افزا و سازنده را، دل‌کندن کامل از گناه بیان می‌دارند. با دقت در مسیر زیبایی که امام علی (علیه‌السلام) با ظرافت تمام برای شکوفایی بصیرت و رشد، تکامل و تحقق نهایی آن ترسیم فرموده‌اند نکته‌های فراوانی قابل بهره‌برداری است که دو نکته اساسی آن در بحث فعلی حائز اهمیت بیشتر است: یکی اینکه بصیرت با فکر آغاز می‌شود و دیگر آنکه مرحله نهایی و بلوغ بصیرت با اقلاع تحقق می‌یابد.

نیروی حفاظتی بنا به وظیفه با صحنه‌هایی مواجه می‌شود، مواردی را تعقیب می‌کند، گفتگوهایی را می‌شنود و ... که در تمام این‌ها ممکن است با موارد ناهنجاری مواجه شود. اما اگر اهل فکر و عبرت‌گیری بود از درون خویش و به طور جدی از تمام این موارد منفی بیزاری می‌جوید و از خداوند می‌خواهد که خودش هیچگاه دچار این غفلت‌ها، نقصان‌ها و گناهان نشود.

۴- اوصاف بصیر از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)

در خطبه ۱۵۲ نهج‌البلاغه هم امام علی (علیه‌السلام) به وصف انسان بصیر پرداخته و بدین شکل بصیرت را تبیین نموده است، ابتدا در وصف گمراه سخن می‌گوید سپس نشانی‌های بی‌خبران دارودستهٔ جمل را بیان می‌دارد. آنگاه می‌فرماید: من شما و خویشتن را از این جایگاه می‌ترسانم و برکنار می‌خوانم هر

کس باید از خویشتن بهره‌ور شود. در پی آن به وصف انسان بصیر می‌پردازد:

«فَأَمَّا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَأَنْتَفَعَ بِالْعَيْرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ
الضَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَالضَّلَالَ فِي الْمَغَاوِي، وَلَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْغَوَاةَ بَتَعَسُّفٍ فِي حَقِّ، أَوْ تَحْرِيفٍ

فِي نُطْقٍ، أَوْ تَخَوُّفٍ مِنْ صِدْقٍ.» «زیرا بی‌گمان بینا کسی است که شنید و آنگاه درباره آن اندیشید، و
نگریست و بینا گردید، و از گذرآموزی‌ها بهره‌ای برگزید؛ سپس راهی روشن سپرده در آن راه از سرنگون
شدن در پرتگاه‌ها، و گم شدن در کژراهه‌ها خود را کنار کشد. و با در پیش گرفتن بیراهه‌ای درباره حقی، یا
دگرگون کردن سخنی، یا ترسیدن از گفتن راستی، گمراهان را بر خود یاری ندهد.»^۱ (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۱۷)

همانگونه که اشاره شد نیروهای حفاظتی بویژه در مأموریت‌های عملیاتی و فعالیت‌های تخصصی لحظه
به لحظه در مقام تصمیم‌گیری و قضاوت هستند. هر نوع گزارش بیانی و بنانی ناعادلانه هر نوع دگرگون
کردن سخنی یا ترسیدن از گفتن راستی، آن‌ها را از صراط مستقیم به کژراهه و از راه روشن حقیقت به
باریکه‌راه‌های ظلمانی عدول از حق و عدالت می‌کشاند و چه بسا تا لبه‌ی پرتگاه انحراف ببرد یا شاید هم
به سقوط در دره عمیق هلاکت بیانجامد.

اما انسان بصیر که ذاکر، استغفارکننده و اهل توبه است و خود را ملزم به عمل صالح می‌داند با چشمان
تیزبین و بینا شده از باطن پاک، با یک نگاه، متوجه انجام مأموریت و فعالیت خویش است و با یک نگاه،
مترصد شیطان و نفس اماره است تا به آن‌ها اجازه‌ی میدان‌داری ندهد و بدین‌سان هم در انجام رسالت
خویش موفق گردد و هم شیاطین را ناکام گذارد.

امام علی(علیه‌السلام) در این فراز نورانی از سخن خویش، تفکر را برای بصیرت ضروری می‌داند. در
کتاب «آداب الصلاة» آمده است:

«بهترین تعبیرها از برای آن [تفکر ممدوح] آن است که خواجه عبدالله انصاری قُدِسَ سِرُّهُ می‌کند، قال:
إِعْلَمَ أَنَّ التَّفَكُّرَ تَلَمُّسُ الْبَصِيرَةِ لِاسْتِدْرَاكِ الْبُغْيَةِ يَعْنِي تَفَكُّرَ جَسْتَجُوْ نَمُوْدِن «بصیرت» است- که چشم

قلب است- برای رسیدن به مقصود و نتیجه، که غایت کمال آن است. و معلوم است مقصد و مقصود
سعادت مطلقه است که به کمال علمی و عملی حاصل آید.»^۲ (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۰۴)

با توجه به جملات یادشده، بصیرت، چشم قلب است و بدیهی است هر قدر دل نورانی‌تر باشد قوه

۱- همچنین رک: شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۹، صص ۱۵۷-۱۵۹؛ میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۵۸.

۲- همچنین رک: شرح منازل‌السائرين، صص ۴۹-۵۱.

بینایی آن بیشتر است. نورانیت دل از لوازم اصلی بصیرت است. در سخنان گهربار معصومین (علیهم‌السلام) این موضوع به وفور مورد توجه قرار گرفته است. از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: «... وَ طَلَبْتُ نُورَ الْقَلْبِ فَوَجَدْتُهُ فِي التَّفَكُّرِ وَ الْبُكَاءِ» «چون در طلب نور و روشنی برای قلب برخاستم، آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم.» (حکیمی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۹۲)

دل اگر نورانی شد آثار پر برکتی را به دنبال خواهد داشت. نورانیت دل نه تنها برای صاحب دل اثر کاربردی دارد بلکه تشعشع این نورانیت فراتر از وجود فرد، دیگران را هم دربر می‌گیرد و باعث دستگیری از آنها نیز می‌شود. در کتاب «آداب الصلاة» می‌خوانیم که:

«اگر با آیات الهیه ایمان قوی شد، نور ایمان به مملکت ظاهرش نیز سرایت می‌کند. ممکن نیست قلب نورانی باشد، و زبان و کلام و چشم و نظر و گوش و استماع نورانی نباشد بشر نورانی آن است که تمام قوای ملکیه و ملکوتیه‌اش نوریخش باشد؛ علاوه بر آن که خود او را هدایت به سعادت و طریق مستقیم کند به دیگران نیز نورافشانی کند و آنها را به راه انسانیت هدایت کند. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۰۸)

یکی از مأموریت‌های مهم حفاظت اطلاعات آگاه‌سازی، پیشگیری و هدایت (ارشاد) امنیتی است. امام (علیه‌السلام) در این فراز نورانی از کلام گهربار خویش بهترین راه را برای تحقق این سه کار مهم بیان نموده که با جرأت و قطعیت می‌توان گفت که در هیچ کتاب یا سند اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی یافت نمی‌شود چراکه امام (علیه‌السلام) با نگاه توحیدی و براساس مبانی وحیانی سخن می‌گوید و بخوبی واقف است که برای دستگیری از دیگران و هدایت آنان باید ابتدا خود نورانی شویم تا در پرتو تشعشع نورانیت ما دیگران راه را بیابند و به مقصد برسند.

همچنین بهره‌گیری از عبرت‌ها در فراز گذشته خطبه نورانی امام علی (علیه‌السلام) مورد توجه بود. آن حضرت عبرت گرفتن را موجب راهبری به هدایت می‌داند:

«... وَ الْأَعْتِبَارُ يَقُودُ إِلَى الرَّشَادِ» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۲)

انتفاع و بهره‌گیری از عبرت‌ها را به عمل کردن براساس علم و ادراکی که از عبرت‌ها حاصل می‌شود دانسته‌اند. (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۳: ۲۴۲)

ذکر و فکر و عبرت در مسیر رسیدن به بصیرت از جایگاه مهمی برخوردار است به حدی که انسان را مثل انبیاء می‌کند. نقل شده که حواریون به عیسی بن مریم (علیه‌السلام) عرض کردند آیا اینک در روی زمین شخصیتی مانند شما پیدا می‌شود؟ فرمود:

«نَعَمْ مَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ ذِكْرًا وَ صَمْتُهُ فِكْرًا وَ نَظَرُهُ عِبْرَةً فَإِنَّهُ مِثْلِي»

«آری، هر که سخنش ذکر خدا و یاد حق باشد، و سکوتش اندیشیدن و نگاه کردنش عبرت گرفتن باشد، همانند من است.»^۱ (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۹۰)

دقت در این نکته‌ها به خوبی آثار عینی آموزه‌های وحیانی و دستورالعمل‌های شفابخش، هدایت‌گر و عملی معصومین (علیهم‌السلام) را برای زندگی حقیقی پرثمر و سعادت‌آفرین در جنبه‌های فردی و اجتماعی نمایان می‌سازد. با استفاده از خطبه نورانی یادشده (۱۵۲ نهج‌البلاغه) می‌توان نتیجه گرفت که عمل براساس بصیرت عملی است که عامل آن می‌شوند آنگاه اندیشه می‌کند و می‌نگرد و بینا می‌شود و از عبرت‌ها بهره می‌گیرد. عامل بصیر در مسیر روشن رهسپاری می‌نماید، از حق منحرف نمی‌شود تا بیراهه را پیش گیرد، سخنان را تحریف نمی‌کند و از گفتن سخن راست ترسی ندارد. به خوبی در این خطبه نورانی، پیمودن مسیر فکر و اندیشه، عبرت‌پذیری، حق‌گرایی و حق‌گویی، پرهیز از گمراهی، کژی و گناه در تحقق بصیرت هویدا است.

نیروهای حفاظت اطلاعات باید از روی بینایی، یقین و اطمینان حرکت کنند، نوع مأموریت نیازمند دانستن حقایق امور است نه عمل براساس شبهه و تردید که آفت‌زا و احیاناً ایمان‌سوز است، و این کار در درجه‌ی اول مستلزم فکر و اندیشه است. از مأموریت‌های عملیاتی گرفته تا فعالیت‌های پشتیبانی همه و همه در معرض آسیب قرار دارد، از جمع‌آوری اطلاعات، تعقیب و مراقبت، شنود، بازجویی، پیگیری پرونده و نحوه‌ی مواجهه با متهم گرفته تا پیگیری‌ها و قضاوت‌ها در حوزه‌های تعیین و تأیید صلاحیت‌های امنیتی برای درخواست‌های مختلف مانند مسؤولیت، ارتقاء، خروج از کشور و کنترل فعالیت‌های اقتصادی و اتباع بیگانه‌ی مرتبط با سپاه و بسیج و مأموریت‌های خارج از کشور، همه و همه علیرغم اینکه ثواب مترتب بر صحت و خلوص عمل، بر آن‌ها عاید می‌شود از سویی کمینگاه شیطان و ورود آفات و آسیب‌های احکامی و اخلاقی است. و این توضیحات نه بدان منظور است که یأس در روحیه‌ی نیروهای حفاظتی ایجاد کند بلکه برای تذکار و هشدار است تا نیروی مؤمن به هوش باشد، غفلت نکند و با رصد شیطان و نفس اماره و با توکل بر خداوند متعال، تزکیه‌ی نفس، استغفار و تنفر از گناه بتواند ضمن تحمل سختی‌های راه و صبوری لازم، بصیرت مورد نیاز این مأموریت خطیر را به دست آورد و به وظایف خویش به نحو خداپسندانه عمل کند تا علاوه بر انجام رسالت سنگین، بطور مضاعف مأجور گردد.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت عمل براساس بصیرت یعنی کار شایسته‌ای که در اثر نورانیت دل، براساس اندیشه‌ورزی، عبرت‌پذیری، حق‌گرایی، دوری از غفلت و گمراهی و گناه به همراه توبه و استغفار و دل‌کندن از گناه و با یاد همیشگی خداوند متعال صورت پذیرد.

با توجه به اوصاف یادشده معلوم است که کارکرد عامل بصیر چه خواهد بود و در امور فردی و زندگی اجتماعی با ابعاد متنوع و وسیع آن چه نقشی ایفا خواهد کرد و چه تأثیری در صلاح و اصلاح فرد و جامعه خواهد داشت.

بدین‌سان و با توجه به مأموریت‌های حساس و پیچیدگی‌های شغلی حفاظت اطلاعات رسالت خطیری که بر عهده‌ی کارکنان آن نهاده شده از یک‌سو و احتمال آفات و آسیب‌های ناشی از ماهیت کار از سوی دیگر یکی از راه‌کارهای مهم برای دستیابی به دانش بیشتر و بینش عمیق‌تر که لازمه‌ی اول فعالیت‌های حفاظتی است و همچنین برای پرهیز از آفات و آسیب‌های این راه پر خطر و رفع کاستی‌های معنوی، آنچه که دل را نورانی می‌کند و انسان را به طور مستمر با یاد خدا مأنوس نگه می‌دارد تحقق بصیرت در وجود کارکنان سازمان حفاظت اطلاعات و به عبارتی رسیدن به مقام بصیرت است.

۶- پیشنهادها

۶-۱- با توجه به مأموریت‌های مهم حفاظت اطلاعات از یک‌سو و نگرش دینی منبعث از اسلام و انقلاب اسلامی در این گونه سازمان‌ها که براساس مبانی اسلام ناب شکل می‌گیرد پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی نظیر تحقیق حاضر در موضوعاتی مشابه صورت گیرد.

۶-۲- با پژوهش‌های دقیق، ابعاد مختلف بصیرت به مفهومی که در تحقیق حاضر آمده، براساس قرآن و حدیث مورد بررسی قرار گیرد و با برنامه‌ریزی دقیق و راهبردی نسبت به تربیت و آموزش کارکنان از بدو ورود تا پایان خدمت و همچنین فرهنگ‌سازی سراسری نسبت به موضوع بصیرت و متصف شدن به آن در سازمان حفاظت اطلاعات، ثمرات ارزشمند آن در این سازمان عینیت یابد.

۶-۳- با شناخت و تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف بصیرت به شکلی علمی و دقیق و برگرفته از قرآن و سنت نسبت به تعیین بصیرت به عنوان یکی از شاخص‌های مناسب ارزشیابی در مراحل جذب و گزینش، تربیت، آموزش و پژوهش، احراز مسؤولیت و ارتقا و تشویق و پاداش‌دهی، اقدام گردد.

کتابنامه

- قرآن کریم** (۱۳۷۱ش) ترجمه‌ی سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، انتشارات حکمت.
- نهج‌البلاغه** (۱۳۸۹ش) ترجمه‌ی سید محمد مهدی جعفری، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- نهج‌البلاغه** (۱۳۷۹) ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، نشر لقمان.
- آقابخش، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۳) **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران، چاپار.
- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد (۱۳۳۷ش) **تسرح نهج‌البلاغه**، قم، کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر (بی تا) **التحریر و التنویر**، بی جا، بی نا، CD جامع التفسیر.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۰ش) **صدمیدان**، به اهتمام قاسم انصاری، تهران، کتابخانه‌ی طهوری.
- ابن انیس و دیگران (۱۳۸۹ش) **معجم الوسیط**، ترجمه‌ی محمد بندریگی، تهران، انتشارات اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق) **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران، بنیاد بعثت.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۰ش) **نهج‌الفصاحه**، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ پانزدهم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴) **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، جلد ۱۰، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسینی مدنی شیرازی، سید علی‌خان (۱۴۲۵ق) **ریاض السالکین فی تسرح صحیفه سید الساجدین** الإمام علی بن الحسین، تهران، مؤسسه نشر اسلامی.
- حکیمی، محمد رضا و دیگران (۱۳۶۰ش) **الحیاء**، تهران انتشارات جامعه مدرسین.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۰ش) **آداب الصلاة**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶ش) **تسرح غررالحکم و دررالکلم**، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵ش) **سیره‌ی نبوی**، تهران، انتشارات دریا، چاپ سوم.
- راغب اصفهانی، محمد بن المفضل (۱۳۹۲ق) **معجم مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق ندیم مرعشی، تهران، المكتبة المرتضویه.
- رجبی، محمود (۱۳۸۰) **انسان‌شناسی**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره».
- صادقی، حسن (۱۳۹۰) **روش‌شناسی تبیین حفاظت اطلاعات آینده**، در: مجموعه مقالات همایش سراسری حفاظت اطلاعات آینده، جلد سوم، تهران، دانشگاه امام حسین (علیه السلام).

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش) *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
طریحی، شیخ فخرالدین (۱۴۰۸ ق) *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا) *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش) *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق) *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه‌ی علمیه.
کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۹ش) *شرح منازل السائرین*، نگارش علی شیروانی، تهران، انتشارات الزهراء.
کلینی (شیخ)، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق) *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷ ش) *میزان‌الحکمه*، قم، دارالحدیث.
ورام ابن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق) *تنبیه الخواطر و نزهه الناظر*، قم، مکتبه فقیه.